یادداشت

بودجه سال آینده و شرایط نامطلوب اقتصادی

علی قنبری
اقتصاددان

دولت لایحه بودجه ۱۴۰۲ را تقدیم مجلس کرده و از آن زمان گمانه‌زنی‌ها پیرامون اوضاع اقتصادی سال آینده کشور شکل گرفته است؛ از افزایش دوباره نرخ تورم گرفته تا ثبات نسبی اقتصاد. همه کارهایی که دولت برای مهار تورم انجام داده از جمله افزایش نرخ سود، بازگرداندن ارز ترجیحی و... برای مهار تورم، شرط لازم است، اما کافی نیست. در کشور ما اقتصاد کلان، تابع سیاست کلان است؛ پس تا زمانی که مشکلات روابط خارجی ایران پابرجاست می‌توان گفت مشکلات اقتصادی هم کماکان به قوت خود باقی خواهد ماند. همچنین تغییرات صورت گرفته در بدنه دولت گرچه لازم است، اما کافی نیست، زیرا مسائل اقتصادی تابع روابط خارجی، شرایط و ثبات اقتصادی داخل است؛ بنابراین می‌توان به جرات گفت ابزارهای پولی حداکثر تا ۲۰ درصد قادرند مشکلات اقتصادی را حل کنند و مابقی نیازمند حل مشکل تحریم‌هاست، زیرا برای کشوری که فروش نفت منبع اصلی درآمد کشور و تامین بودجه محسوب می‌شود، خروج از تحریم‌ها برای حل مسائل پولی کشور حرف اول را می‌زند. وجود تحریم‌ها، ناکارآمدی برخی مدیران اقتصادی و سایر مسائل دست به‌دست هم داده تا کاهش چشمگیر نرخ تورم برای سال آینده چندان در دسترس نباشد و تورم تک‌رقمی به این زودی‌ها محقق نشود. در پیش‌بینی مسائل اقتصادی هر کشوری عرضه و تقاضا مهم است، همچنین علم و تئوری‌های اقتصادی در پیش‌بینی چشم‌انداز یک سال آینده بسیار دارای اهمیت است اما همه این مسائل در شرایطی صدق می‌کند که اقتصاد در ثبات باشد، سرمایه‌های اجتماعی در بالاترین سطح و کیفیت خود باشند، مردم به سیاست‌های اقتصادی دولت اعتماد داشته باشند و روابط خارجی در بهترین شکل خودش باشد. براساس آنچه گفته شد اگر بخواهیم باتوجه به شرایط موجود پیش‌بینی کنیم، باید گفت وضعیت اقتصادی در سال آینده بهتر نخواهد شد. در این شرایط که قیمت کالاهای اساسی و خوراکی افزایش پیدا می‌کند و بازار ارز و خودرو و مسکن و طلا همه سیر صعودی دارد، امید چندانی به بهتر شدن شرایط اقتصادی وجود ندارد و مسائل به‌صورت غیرعلمی و غیرتئوریک تحلیل می‌شود و متأسفانه این تحلیل‌ها هم به نتیجه مطلوب نمی‌رسد. اگر تحریم‌ها هم به همین منوال پیش برود و در بازار عرضه و تقاضای نفت مشکلی ایجاد شود، نرخ نفت از پیش‌بینی دولتمردان در بودجه کمتر خواهد بود؛ در نتیجه دولت با کسری بودجه مواجه می‌شود. کسری بودجه یعنی افزایش پایه پولی، یعنی افزایش نقدینگی و افزایش تورم و این مسائل در کنار سایر مسائلی که گفته شد، باعث می‌شود وضعیت اقتصاد کشور در سال آینده در شرایط مطلوبی نباشد؛ از همین‌رو به‌نظر می‌رسد باید تصمیماتی در زمینه مسائل ساختاری در استراتژی‌ها و تئوری‌ها و در مبانی مدیریت اقتصادی اخذ شود. هنوز رشد اقتصادی کشور پایین است. اهداف تورمی، رشد اقتصادی، بیکاری، درآمدهای واقعی خانوارها، فقر و مواردی که قرار بود در سال ۱۴۰۱ محقق شود تا این زمان که تنها ۲ ماه از این سال باقی مانده، همچنان اندر خم یک کوچه است؛ بنابراین همه این عوامل دست‌به‌دست هم می‌دهد تا برای ۱۴۰۲ چشم‌انداز روشنی پیش‌رو نباشد. رشد اقتصادی بدون تغییراتی که گفته شد در سال آینده هم محقق نخواهد شد. اگر تغییرات اساسی در روند احیای برجام، اف‌ای‌تی‌اف، لغو تحریم‌ها و کسب درآمدهای پایدار در کشور محقق شود، وضعیت بهتری خواهیم داشت.

نگاه

رحمان قهرمان پور:

برجام از جایی که متوقف شده نمی‌تواند احیا شود

یک تحلیلگر مسائل بین‌الملل در خصوص از سرگیری مذاکرات احیای برجام اظهار داشت: امکان از سرگیری توافق برجام از جایی که متوقف شده بسیار اندک است. تغییر شرایط محیطی و نظام بین‌الملل در این چند سال گذشته قابل توجه است. برخی از این تغییرات بسیار مهم و اساسی هستند به شکلی که نمی‌شود آنها را نادیده گرفت، مثل جنگ اوکراین که تبعات عمیق و طولانی مدت دارد. از سویی در آمریکا شاهد تضعیف پایگاه ترامپ و روی کار آمدن بایدن و تحولات انتخابات کنگره بودیم و در ایران هم در این مدت دولت تغییر کرده و آرایش و رقابت‌های سیاسی مهمی اتفاق افتاده است، از این رو به‌خاطر این شرایط امکان از سرگیری برجام عملا ممکن و میسر نیست. رحمان قهرمان پور گفت: وقتی می‌گویم برجام از جایی که متوقف شده نمی‌تواند احیا شود، به این معناست که احیای برجام ۲۰۱۵ هم در حال حاضر کار دشوار و سختی است. وی افزود: واقعیت این است که نظام بین‌الملل مدام در حال تغییر است و وقتی شرایط تغییر می‌کند، متناسب با آن توافق‌ها هم تغییر می‌کنند. از آنجا که برجام توافقی سیاسی است تا یک پیمان حقوقی محکم بین‌المللی، تغییر شرایط سیاسی می‌تواند بر آن هم تاثیرگذار باشد. از طرفی وقتی آمریکا از برجام خارج شد آسیب‌هایی به ایران وارد کرد، که اگر هر بازیگری به جای ایران باشد، نمی‌تواند این آسیب‌ها را نادیده بگیرد. پس مساله فنی و حقوقی برجام متاثر از وضعیت سیاسی برجام است، یعنی محیط نظام بین‌الملل و روابط ایران و آمریکا و تحولات داخلی ایران و آمریکا هر کدام مهم هستند. قهرمان‌پور عنوان کرد: احیای برجام تابع یک عامل نیست؛ خواست ایران یکی از متغیرهای اثرگذار است و توانایی و اراده دولت و تیم مذاکره کننده و توان فنی آنها یکی از عوامل متعددی است که در رویکرد ایران به احیای برجام موثر است. وی تصریح کرد: اگر اراده کلی در نظام سیاسی ایران بر احیای برجام باشد، توانایی فنی و دیپلماتیک خیلی مانع جدی نیست. واقعیت این است که با وجود تغییر برخی افراد، برخی کارشناسان از همان دولت قبلی در این تیم بوده و هستند و آنها کار تکنیکی و فنی را پیش می‌برند، از این رو مساله احیای برجام را نباید به توانایی فنی تیم مذاکره کننده تقلیل داد، هرچند منکر اهمیت آن مساله هم نمی‌توان شد. این کارشناس مسائل بین‌الملل با بیان اینکه در اسفند ۱۴۰۰ با همین تیم دولت آقای رئیسی در آستانه توافق و احیای برجام بودیم عنوان کرد: آن چیزی که مانع توافق شد، ملاحظات فرافنی یا ملاحظات غیرفنی بود. پس این ادعا که توانایی فنی تیم مانع احیای برجام است، نوعی تقلیل گرایی است.

حسن بهشتی پور در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

اصلاحات اقتصادی برای احیای برجام کافی نبود

برجام در بدترین وضعیت ممکن قرار گرفته است

اختلافات حل نشود شورای حکام علیه ایران قطعنامه صادر می کند

خنثی کردن تحریم‌ها تنها راه عقب‌نشینی غربی‌هاست

ایران از طریق آژانس راحت‌تر به نتیجه می‌رسد تا مذاکره با ۴+۱

ایران فکر می‌کرد به دلیل جنگ اوکراین امتیازهای بیشتری از اروپا می‌گیرد

آرمان ملی- احسان انصاری: در حالی که وضعیت اقتصادی مردم در شرایط نامطلوبی قرار دارد معادلات برجام پیچیده و غیرقابل پیش‌بینی شده است. پیچیده شدن این معادلات روی مسائل اقتصادی ایران تأثیر خواهد گذاشت و به همین دلیل ممکن است تصمیم‌گیران جامعه را به سمت تصمیمات جدیدی درباره برجام سوق بدهد. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی این موضوع با حسن بهشتی‌پور، تحلیلگر مسائل بین‌الملل گفت‌وگو کرده است. بهشتی‌پور معتقد است: «هنوز دو طرف اصلی توافق و نیز دیگر طرف‌ها در بازگشت به برجام منافع دارند و باید تلاش شود که برجام از کما خارج شود. برجام با همه مشکلاتی که دارد چون نیاز همه طرف‌هاست، زنده و ساری و جاری است. شاید برخی بگویند با همه اینها بودن و نبودنش چه خاصیتی دارد؟ من می‌گویم، یک متن توافق شده برای شروع کار بهتر از این است که هیچ متنی در کار نباشد. هر وقت قرار باشد دوباره از سر گرفته شود، مبنا برجام خواهد بود. این حرف‌ها که گفته می‌شود، برجام مرده است وجاهتی ندارد. دیدید که همین برجام دو بار آمریکا را در شورای امنیت در انزوای کامل قرار داد، اگر برجام مرده بود که این نتیجه را نداشت.» در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

◀ در حالی که وضعیت اقتصادی در شرایط سختی قرار دارد معادله برجام پیچیده‌تر از همیشه شده است. چرا این معادله تا این اندازه پیچیده و غیرقابل پیش‌بینی شده است؟

برجام با همه مشکلاتی که در اجرا دارد، همچنان خودش را به طرف‌های توافق تحمیل می‌کند. درست است که تعهدات اروپا و آمریکا اجرا نشد یا بخشی از آنها اجرا شد و تعهدات ایران هم بعد از اردیبهشت ۹۸ به تدریج کم شد، اما این توافق به عنوان سند همکاری کشورها برای کمک به عدم اشاعه هسته‌ای پابرجاست و انتظار هر کدام از طرف‌ها هم احیای آن است اما به شکلی که خودشان می‌خواهند. هر کدام از کشورها سعی دارند با اهرم‌هایی که در اختیار دارند، طرف مقابل را به تغییر رفتار یا دادن امتیاز بیشتر وادار کنند. اگر برجام تاکنون اجرا نشده و مذاکرات بازگشت به نتیجه نرسیده ربطی به خواست دولت ندارد، این مساله به‌خاطر انتظاراتی است که ایران در بازگشت به برجام داشت و طرف آمریکایی نخواست یا نتوانست آنها را تامین کند، وگرنه ایران برای بازگشت به برجام آماده بود. واقعیت این است که برجام در حال حاضر در بدترین شرایط است و تا این حد تاکنون دچار مسائل متعدد نبوده است. با همه اینها هنوز نباید از برجام قطع امید کرد، معتقدم زمینه برای احیای آن فراهم است. در شرایط کنونی همه چیز بستگی دارد به اینکه در مهار بحران اقتصادی و تحولات سیاسی ایران موفق شود یا خیر و اینکه طرف مقابل به ویژه آمریکا بیش از این در برابر خواست‌های ایران مقاومت می‌کند یا نه. علاوه بر انتظارات، پیش‌بینی‌های غلط دو طرف هم مهم بود. ایران فکر می‌کرد به‌خاطر جنگ روسیه، نظام بین‌الملل به چالش کشیده می‌شود و نظام جدیدی شکل می‌گیرد و طرف‌های آمریکایی و اروپایی به‌خاطر بحران غذا و انرژی امتیاز بیشتری در مذاکرات به ایران می‌دهند و طرف‌های اروپایی و آمریکا هم فکر می‌کردند ایران به سمت تظاهرات و راهپیمایی کشیده شود می‌توانند در آن فضا امتیاز بیشتر بگیرند؛ غربی‌ها به‌طور جدی فکر کردند که دست از مذاکرات بکشند و ببینند چه می‌شود و این پیش بینی هم اشتباه بود. دیدیم که نتیجه نگرفتند.

◀ در شرایطی که این نتیجه برای مقامات آمریکایی حاصل نشد آنها در گام بعدی چه رویکردی را در پیش خواهند گرفت؟

من معتقدم هنوز دو طرف اصلی توافق و نیز دیگر طرف‌ها در بازگشت به برجام منافع دارند و باید تلاش شود که برجام از کما خارج شود. برجام با همه مشکلاتی که دارد چون نیاز همه طرف‌هاست، زنده و ساری و جاری است. شاید برخی بگویند با همه اینها بودن و نبودنش چه خاصیتی دارد؟ من می‌گویم، یک متن توافق شده است برای شروع کار بهتر از این است که هیچ متنی در کار نباشد. هر وقت قرار باشد دوباره از سر گرفته شود، مبنا برجام خواهد بود. این حرف‌ها که گفته می‌شود، برجام مرده است وجاهتی ندارد. دیدید که همین برجام دو بار آمریکا را در شورای امنیت در انزوای کامل قرار داد، اگر برجام مرده بود که این نتیجه را نداشت. نکته دیگر اینکه برجام ربطی به دولت‌ها ندارد، اگر اجرا نشده به‌خاطر انتظاراتی است که ایران در بازگشت به برجام داشت و طرف آمریکایی نتوانست آنها را تامین کند وگرنه ایران برای بازگشت به برجام آماده بود. یکی از دلایل اخلال در روند مذاکرات به دلیل آن است که دو طرف یعنی ایران و کشورهای غربی تعبیر یکسانی از اعتراضات داخلی ندارند. ایران علت و ریشه اعتراضات را متوجه همان کشورها یعنی آمریکا و تروئیکای اروپایی می‌داند و آن کشورها اعتراضات در ایران را ناشی از مشکلات داخلی می‌دانند. مسئولان ایران می‌گویند آن کشورها نباید در پی به وجود آمدن ناآرامی‌ها اعتراضی داشته باشند اما آنها می‌گویند ما بر اساس عرف دیپلماتیک نقد می‌کنیم. حالا اینکه اگر ثابت شود که غربی‌ها در به وجود آوردن اقدامات مسلحانه در ایران یا ایجاد زمینه ترور نقش داشتند، بحث دیگری است که حتما محکوم است. پیش از روی کار آمدن بایدن میان آمریکا و کشورهای اروپایی اختلاف‌های زیادی وجود داشت اما از زمانی که بایدن روی کار آمد توانست اشتراکات زیادی به وجود آورد؛ مشخصا آنکه هم موضع آمریکا و هم موضع اروپایی‌ها علیه ایران شد. ایران دو راه در پیش دارد؛ یا آنکه بخواهد همین سیاست را ادامه دهد و به نوعی در مسیر تقابل قرار داشته باشد یا آنکه راه تعامل را پیش بگیرد. من تصور می‌کنم ایران می‌خواهد با افزایش قدرت هسته‌ای‌اش طرف‌های مقابل را وادار به مذاکره و پذیرش خواسته‌هایش کند. آنچه باعث عقب‌نشینی غربی‌ها می‌شود، خنثی‌سازی تحریم‌هاست. اینکه گفته می‌شود خنثی‌سازی تحریم‌ها با تقویت ظرفیت‌های داخلی محقق می‌شود حرف غلطی نیست، مشروط بر آنکه اصلاحات اقتصادی صورت بگیرد.

◀ مدیرکل آژانس با اعلام اینکه راه مذاکرات بسته شده برای سفر به تهران ابراز تمایل کرده است. آیا ایران نمی‌تواند با سعه‌صدر بیشتر در مقابل آژانس زمینه‌های مذاکرات آینده را به وجود بیاورد؟

واقعیت این است که منظور از مذاکره این نیست که آقای گروسی به تهران سفر کند تا گفت‌وگو کند که ما سوالات را پاسخ بدهیم یا خیر. آژانس در پاسخ دادن به این سوالات تردید ندارد و اصرار دارد. مذاکره درباره پاسخ دادن یا ندادن نیست. مذاکره درباره چگونگی پاسخ دادن به این سوالات و پیدا کردن راه‌حل است. اینکه گفته شده راه مذاکره بسته شده یعنی می‌خواهد بگوید ایران درباره سوالاتی که مدنظر آژانس است، باید پاسخ بدهد. شاید از نظر آقای گروسی جایی برای مذاکره با ۴ به علاوه یک باقی نمانده اما بحث این است که ایران باید به پرسش‌های آژانس پاسخ دهد. آقای گروسی به دنبال راه‌حل‌هایی است که می‌تواند برای نحوه پاسخگویی ایران به سوالات انتخاب شود. شاید آمدن آقای گروسی به تهران سبب شود تا به سمت پیدا کردن راه‌حل‌های جدید بروند که ایران بتواند پاسخ دقیقی به آژانس بدهد تا آنان را متقاعد کند. به نظر من ایران در موضوع مربوط به آژانس با خود آژانس خیلی بهتر می‌تواند به توافق برسد. مدلی که ایران چند ماه وقت تلف کرد به این دلیل بود که شاید بتواند از طریق توافق سیاسی با گروه چهار به علاوه یک این مساله را حل کند که مشخص بود به جایی نمی‌رسد و راه‌حل بهتر این است که با خود آژانس به توافق برسد. البته دولت معتقد است با آنها می‌توانیم از طریق سیاسی این موضوعات را حل کنیم. چون اصل قضیه ساخته و پرداخته آمریکا و اسرائیل است و آنها بهتر این موضوعات را می‌دانند. بنابراین همان‌طور که خودشان این مشکلات را به وجود آوردند خودشان هم باید این پرونده را ببندند، چون واقعیت ندارد. اما در عمل شاهد بودیم طرف مقابل این دیدگاه را نپذیرفت. به نظرم با توجه به سوابقی که آژانس دارد و قضیه مدالیته‌ای که در ۶ بند در دوره آقای البرادعی و آقای علی لاریجانی که دبیرعالی شورای امنیت ملی بود حل شد، این موضوع هم می‌تواند قابل حل باشد. بنابراین باید منتظر باشیم و ببینیم و همچنان امیدواریم این گره باز شود که خیلی کمک می‌کند تا قطعنامه جدیدی علیه ایران صادر نشود. بنابراین مذاکره راه‌حل نیست؛ بلکه یک گفت‌وگو درباره این است که ایران چگونه باید ثابت کند که هیچ وقت در مکان ادعایی فعالیت هسته‌ای انجام نشده است. در حال حاضر سال‌هاست که این مکان‌ها متروکه شده و ادعایی که مطرح شده مربوط به سال‌های قبل از ۲۰۰۳ است. بنابراین بحث این است که ایران و آژانس باید با هم به توافق برسند که چگونه می‌توانند به این سوال پاسخ دهند. به نظر من ده‌ها راه فنی وجود دارد و راه حقوقی نیست. فنی به معنای آن چیزی است که آژانس بر فعالیت صلح‌آمیز کشورهای مختلف نظارت و کنترل می‌کند. چون آژانس یک نظارت حقوقی و یک نظارت فنی دارد و به نظر می‌رسد در آن بخش فنی بن‌بست وجود ندارد و می‌شود راه‌حل پیدا کنند به شرطی که دو طرف اراده نشان بدهند و بخواهند مساله حل شود.

◀ آیا چنین اراده‌ای را در ایران و آژانس مشاهده می‌کنید؟

در مورد ایران مطمئن هستم که این اراده وجود دارد. چون ایران می‌داند اگر این مساله حل نشود قطعنامه شورای حکام در پیش خواهد بود و پرونده ایران به شورای امنیت ارجاع می‌شود. طرف ایرانی به‌طور قطع و یقین می‌خواهد مساله حل شود. اما از طرف آژانس بحث این است که آیا چنین اراده‌ای در شخص آقای گروسی وجود دارد یا خیر. چون ایشان نسبت به ایران نگاه منفی دارد. او در زمانی که معاون آقای آمانو بود و چه در زمانی که مدیرکل شد دیدگاه کاملا منفی و تهاجمی نسبت به ایران دارد. ولی به نفع آژانس هم است که این مساله به نتیجه برسد چون این کنترل‌ها و نظارت‌هایی که آژانس اعمال می‌کند در طول تاریخ آژانس بین‌المللی اتمی بی‌سابقه بوده است. همین الان هم که ایران خیلی از دوربین‌های آژانس را محدود کرده باز هم نظارت و کنترل وجود دارد اینطور نیست که به‌رغم همه کاهش کنترل‌ها و نظارت‌ها، آژانس بر فعالیت‌های ایران نظارت و کنترلی نداشته باشد. نسبت به قبل کمتر شده اما هنوز به‌طور قابل توجهی نظارت و کنترل وجود دارد. بنابراین به نفع آژانس است که این مساله را حل کند اما اینکه آیا اراده‌اش وجود دارد یا نه مطمئن نیستم. اما امیدواریم این اراده وجود داشته باشد که یکبار برای همیشه این مساله را حل کند. در شرایط کنونی دو طرف در یک محاسباتی هستند که عملا نمی‌شود روی آن حساب کرد. در هر صورت واقعیت این است که باید منتظر بود ببینیم که آیا واقعا اقدامات عملی برای شروع مجدد مذاکرات انجام می‌شود و هدف مذاکرات هم دستیابی به توافق خواهد بود یا خیر؟ از زمان شروع مجدد مذاکرات بی‌اطلاع هستم ولی به عنوان یک ایرانی آرزو می‌کنم که هرچه زودتر شروع شود و معتقدم ما باید با قدرت و قوت پای میز مذاکره بنشینیم اما در مورد اروپایی‌ها باید گفت در عمل نشان دادند که کاری از دستشان برنمی‌آید.

> آنچه باعث عقب‌نشینی غربی‌ها می‌شود، خنثی‌سازی تحریم‌هاست. اینکه گفته می‌شود خنثی‌سازی تحریم‌ها با تقویت ظرفیت‌های داخلی محقق می‌شود حرف غلطی نیست، مشروط بر آنکه اصلاحات اقتصادی صورت بگیرد

> این حرف‌ها که گفته می‌شود، برجام مرده است وجاهتی ندارد. دیدید که همین برجام دو بار آمریکا را در شورای امنیت در انزوای کامل قرار داد، اگر برجام مرده بود که این نتیجه را نداشت

> اگر برجام تاکنون اجرا نشده و مذاکرات بازگشت به نتیجه نرسیده ربطی به خواست دولت ندارد، این مساله به‌خاطر انتظاراتی است که ایران در بازگشت به برجام داشت و طرف آمریکایی نخواست یا نتوانست آنها را تامین کند، وگرنه ایران برای بازگشت به برجام آماده بود

مهدی ذاکریان:

ایران پل پیروزی روسیه است

◀ روسیه ایران را تکیه‌گاهی برای بیرون آمدن از مرداب می‌بیند

مهدی ذاکریان، استاد دانشگاه و عضو هیات علمی گروه روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی در گفت‌وگو با رویداد۲۴ به چرایی ظهور و بروز بحران‌های بین‌المللی و همچنین الزام‌های خروج از برهه دشوار فعلی پرداخته است. به زعم او «آنچه در دانش سیاست گفته می‌شود این است که منافع ملی در هر شرایطی باید رعایت شود. با این توضیح که منافع ملی همان مطالبات مردم است.» متن گفت‌وگو با دکتر مهدی ذاکریان را در ادامه می‌خوانیم:

◀ رابطه با روسیه منافع ملی را تضمین می‌کند؟

تکلیف ایران روابط متوازن با روسیه و هر کشور دیگری است؛ یعنی روابطی که به نفع کشور باشد. پایه و اساس روابط خارجی را نیازهای دو طرف شکل می‌دهند. البته در موقعیت‌هایی که کشورها به دیگران معمولا نیاز بیشتری دارند، یک کشور می‌تواند امتیازهای بیشتری را از آن کشور بگیرد. زمانی که بحث برجام مطرح بود و اصرار داشتیم پرونده هسته‌ای سریعا به سرانجام برسد، امروز را می‌دیدیم تا تحریم‌ها ابزاری نباشد که بخواهند با طولانی کردن موضوع برجام، امتیازات بسیاری از ما بگیرند. روسیه الان در دنیا در فشار و مضیقه است و به لحاظ فروش نفت هم به همین صورت است و ایران پل پیروزی آن‌هاست. البته پوتین آگاه است که در جنگ اوکراین برایش پیروزی در کار نیست و باید اسم همکاری روس‌ها با ایران را «پل نجات» بگذاریم. یعنی روسیه به ایران به عنوان تکیه‌گاهی برای بیرون آمدن از مرداب نگاه می‌کند.

◀ آیا تصمیم‌گیران داخلی متوجه این قضیه هستند؟

تصمیم‌گیران در ایران فقط دو گزینه از میان قدرت‌های جهانی برای آن‌ها باقی مانده بود؛ یکی چین و دیگری روسیه. با این توضیح که روسیه الان گرفتار مسائل نظامی و جنگی شده که خودش آتش آن را برافروخته است. چین هم که با دست ایران را به عقب زد و به آغوش عربستان و کشورهای عربی رفت.

◀ همه می‌دانیم اگر نظام‌های سیاسی بخواهند برجام قابل حل است. پس چرا توافق را جدی نمی‌گیرند؟

توافق الان قابل حل نیست. یک زمانی قابل حل بود، یعنی ۳ یا ۴ ماه پیش برجام قابلیت این را داشت که با امتیازات کمتر از یک‌سال گذشته احیا شود. قطعا در یک‌سال گذشته امتیازاتی که ایران به دست می‌آورد، امتیازات قابل توجهی بود. چه بسا در مذاکرات خسارت و جبران زیان‌هایی که ترامپ به ایران وارد کرده بود، جبران می‌شد. اما پس از آن، ماندن ایران و همین‌طور خروج از تعهدات برجامی با عدول از میزان غنی‌سازی و بحث سانتریفیوژها و چالش‌هایی که میان ایران با آژانس پیش آمد و حتی بحث در شورای حکام مطرح شد، آن فرصت‌ها و آن موقعیت‌ها از دست رفت. اما باز هم در چند ماه پیش قابل احیا بود. با توجه به شرایط چند ماه پیش، مجال مذاکرات در موضع قدرت از سوی تصمیم‌گیران ایرانی کاهش پیدا کرد. و این یک مشکل جدی است بنابراین ۵+۱ علاقه‌ای که بخواهد وارد آن شود ندارد. ۵ کشور روسیه، آلمان و فرانسه، بریتانیا، ایالات متحده آمریکا و چین، موضع ایران را در یک وضعیت نامناسب داخلی می‌بینند و روسیه هم علاقه‌مند است موضوع توافقات طولانی شود تا از آمریکایی‌ها هم امتیاز بگیرد. یعنی شما «۵+۱»ی نمی‌بینید که یک کشور پشت آن باشد و علاقه‌مند باشد و بخواهد به تفاهم برسد. روابط ایران با فرانسه که در این وضعیت است، با آلمان هم در وضعیت تیره‌ای قرار داریم، با بریتانیا هم از اول تیره بوده و الان هم تیره‌تر شده است. رابطه با ایالات متحده آمریکا هم اصلا وجود نداشته، ندارد و نخواهد داشت. فقط چین و روسیه مانده بودند که چین هم نشان داد در مسائل منطقه اگر بخواهد کسی را در آغوش بگیرد، کدام کشور را در آغوش می‌گیرد. در واقع آنها نزدیکی با شورای همکاری خلیج فارس و رهبر آن عربستان سعودی را به نفع خود می‌بینند. تکلیف روسیه هم که مشخص است.

◀ الان تکلیف چیست؟

خیلی ساده است. هر تصمیمی روی هر موضوعی که می‌خواهد گرفته شود، باید با نظر مردم در اولویت باشد. باید دید مردم چه می‌خواهند. اگر مردم خواهان این هستند که برجام باشد، برجام باشد. اگر خواهان این هستند که گشت ارشاد باشد، گشت ارشاد باشد. اگر مردم ایران خواهان این هستند که گشت ارشاد نباشد، گشت ارشاد نباشد. اگر مردم ایران دولت و مجلس را تایید می‌کنند، وظیفه ملی این است که همه از آن‌ها حمایت کنند. در مواقعی هم که قانون جواب نمی‌دهد معمولا مجلس مؤسسان تشکیل می‌شود و مجلس مؤسسان به تدوین قوانین و قواعد جدید روی می‌آورد. یعنی قانون اساسی بازبینی می‌شود تا ببینند مشکل از کجاست. در واقع مردم باید به شکل مدنی و قانونی و به دور از هرگونه خشونت و آشوب خواسته‌های خودشان را بیان کنند.

◀ به نظرتان این اتفاق رخ می‌دهد و نظر مردم در اولویت قرار می‌گیرد؟

آنچه که در دانش سیاست گفته می‌شود این است که منافع ملی در هر شرایطی باید رعایت شود. با این توضیح که منافع ملی همان مطالبات مردم است. یعنی استقلال، رفاه، پیشرفت اقتصادی، امنیت ملی، عزت فرهنگی و... الان مثلا مردم سوئیس چه دارند؟ پیشرفت اقتصادی و رفاه دارند، شادی در میان مردم‌شان بالاست و آموزش در آنجا رایگان است. تورم کنترل شده و شغل موجود است و بیکاری نیست و فساد و رانتی وجود ندارد. مردم در همه جای دنیا همین‌ها را می‌خواهند. ما این‌ها را در همه جای دنیا می‌بینیم. مدل ساده آن سوئیس و سنگاپور است. مدلی که به ما خیلی نزدیک است، مدل قطر است. فکر می‌کنید قطر چطور توانسته رضایت مردم خودش را به دست آورد و در میزبانی جام‌جهانی هم موفق باشد؟ به این دلیل که آن چیزهایی را که باید یک کشور عادی برای مردمش فراهم کند، برای مردم فراهم کرده است. مثل خانه، پول، کار، ارتباط خوب و... قطر با اینکه تاریخ ندارد و سنش از سن خیلی‌ها در ایران کمتر است، توانست میزبانی جام‌جهانی باشد و حتی در دنیا در برخی از مسائل به عنوان میانجی عمل کند. ما باید به معیارهای حکمرانی خوب یعنی شفافیت، پاسخگویی، مشارکت، حاکمیت قانون، اجرای عدالت، حسابرسی و... اهمیت بدهیم. این‌ها شاخص‌های حکمرانی خوب است و اگر این‌ها در یک سیستم باشد، آن سیستم در منطقه و دنیا آقایی و سروری خواهد کرد. برخی مسئولان در تلویزیون طوری حرف می‌زنند که انگار همه مشکلات حل شده است و همه کارخانه‌ها از رکود بیرون آمده‌اند. در حالی که اینطور نیست و سفره کارمند و کارگر و بازاری و کاسب و استاد و معلم و پزشک و پرستار کوچک شده است. وقتی یک پراید ۳۰۰ میلیون باشد، معلم با حقوقش می‌تواند پراید بخرد؟ شما به عنوان یک خبرنگار حقوقتان چقدر است؟ بیشتر مردم الان گرفتار هستند. من به عنوان استاد دانشگاه نمی‌توانم با حقوق دانشگاهی‌ام زندگی‌ام را اداره کنم، آیا شما با حقوق خبرنگاری می‌توانید؟ یا معلم با حقوق معلمی می‌تواند؟ یا کارگر با حقوق کارگری می‌تواند؟ کسی نمی‌تواند با این وضعیت سختی که وجود دارد، آرامش داشته باشد. اینکه با تورم از جیب مردم برداریم و مالیات‌ها هر روز افزایش پیدا کند، اصلا قابل تحمل نیست. مالیات را نجومی بگیرها باید دهند. در حالی که قیمت خودرو بالاست، چرا دولت و مجلس مصوب نمی‌کنند که کلیه خودروهایی که از پول بیت‌المال برای نمایندگان و وزرا و مدیران کل و رؤسای ادارات خریداری شده است، به مزایده گذاشته شود و منابع مالی‌اش در اختیار دولت قرار بگیرد؟ آقایان هم مثل بقیه مردم با اتوبوس و مترو رفت و آمد کنند، چرا این کار را نمی‌کنند؟ اینکه یک کار خیلی ساده است و به آمریکا و روسیه و چین و فرانسه و انگلیس ربطی ندارد. چرا در وضعیتی که دولت در بودجه با مشکل مواجه می‌شود و مالیات‌ها را افزایش می‌دهد، حقوق‌های نجومی برخی مدیران را کنترل نمی‌کند؟ چرا زمانی که آقایان نان را سیستم الکترونیکی می‌کنند، نمی‌آیند رانت و فساد را کنترل کنند؟ ما یک چیزی در علم حقوق داریم که به آن تلاش «مقتضی» می‌گوییم. ما حتی تلاش مقتضی را هم در این موضوع نمی‌بینیم. ما در ایران شغل‌های کاذب زیادی داریم که کار خاصی هم نمی‌کنند و اگر کاری هم می‌کنند حقوقشان را می‌گیرند. اگر من در دانشگاه کار می‌کنم و حقوق می‌گیرم، آیا دانشگاه باید با پول بیت‌المال به من ماشین هم بدهد؟ اگر استاندار دارد حقوق می‌گیرد، ماشین را هم خودش باید بخرد؟ اصلا اینها چرا راننده و چند تا منشی دارند؟ شما باید اینها را مرخص کنید. تفاوتی که از زمان دولت آقای روحانی با دولت زمان جنگ وجود دارد، همین است. آن دولت در زمان جنگ به وزرا امتیازات ویژه نداد تا آنها موقعیت خاصی داشته باشند و مردم با کوپن زندگی کنند. هیچ مشکلی نیست که رفع نشود. کافی است، صداقت، واقع بینی، شفافیت و البته بهره‌گیری از کارشناسان واقعی جدی‌تر گرفته شود.

پشت پرده مواضع اخیر بغداد

عرب‌گرایی در عراق تهدیدی علیه ایران است؟

السودانی، نخست وزیر عراق، در چرخشی ناگهانی تصویر دیگری از خود نشان داد. او با گفتن نام مجعول خلیج عربی به جای خلیج فارس باعث شد تا تمام تصوراتی که در مورد همراهی‌اش با ایران وجود داشت، دود شده و جای آن را بدبینی به بغداد پر کند. کار تا آنجا پیش رفت که بعد از گفتن این کلمات، تهران سفیر عراق را به وزارت خارجه فراخواند تا نارضایتی ایران از این رویکرد را به گوش عراق برساند. نخست وزیر عراق محمد شیاع السودانی نخست وزیر عراق به تازگی در گفت‌وگو با روزنامه وال استریت ژورنال گفت که عراق همچنان نیاز به حضور نیروهای آمریکایی در کشورش دارد و نابودی عناصر تروریستی داعش مقداری زمان خواهد برد. این اتفاقات در حالی افتاد که حتی در عراق دوران الکاظمی که با تهران زوایایی داشت، چنین اتفاقاتی رخ نمی‌داد. در خبرآنلاین با علیرضا مجیدی کارشناس مسائل عراق و مدیر خاورمیانه اندیشکده جریان در مورد رویکرد اخیر بغداد به همسایگانش به گفت و گو نشستیم. علیرضا مجیدی کارشناس مسائل خاورمیانه در مورد اظهار نظر نخست وزیر عراق نسبت به خلیج فارس گفت: ما باید یک واقعیت را در مورد عراق بپذیریم که در این کشور هویت عربی جاری و ساری است. در فرهنگ سیاسی عراق، اصطلاح «عمق عربی» رایج است که در توضیح آن می‌توان گفت اکثریت قاطع جامعه عربی عراق به هویت عربی خود می‌بالند و دوست دارند روابطشان با کشورهای عرب تقویت شود. باید توجه کرد که این مطالبه فراگیر است و محدود به یک جریان یا جناح خاص سیاسی نیست؛ بلکه با قاطعیت می‌شود گفت اکثریت قاطع جامعه عربی عراق به هویت عربی خود می‌بالند و دوست دارند روابطشان با کشورهای عرب تقویت شود. بحث دومی که باید به آن توجه کرد این است که آیا عراقی‌ها می‌خواهند متحد تمام عیار یا زیر پرچم کشورهای عربی باقی بمانند یا نه؟ در پاسخ به این سئوال باید گفت نه مسلما اینطور نیست و کشور عراق در مقایسه با دیگر کشورهای عربی خودشان را مهد تمدن می‌دانند و از این نظر نسبت به بقیه کشورهای عربی احساس تفاخر و بزرگی می‌کنند. حتی با کمی تسامح می‌توان گفت به نوعی از منظر استعلایی یا بالاتر به بقیه کشورهای عربی نگاه می‌کنند؛ زیرا از نظر تاریخ، فرهنگ، ادبیات و... کاملا متمایز هستند. اگر بخواهم این دو بحث را با هم جمع‌بندی کنم باید بگویم عراقی‌ها در عین اینکه خواهان روابط حسنه و دوستی و پیوند با کشورهای عربی هستند، اصلا اینطور نیست که در فضای کشورهای عربی هضم شوند. حال باید به این پرسش اساسی رسید که آیا گرایش عرب‌گرایی در عراق، تهدیدی برای ایران است؟ من در پاسخ می‌گویم این‌طور نیست؛ یعنی تهدیدی برای ایران به حساب نمی‌آید! بلکه اتفاقا فرصت‌های بیشتری در اختیار دیپلماسی تهران قرار می‌دهد که وارد آن بحث نمی‌شوم. در این جا به ذکر این نکته کلی بسنده می‌کنم که در عراق، هر دولتی حاکم شود، اگر برآمده از رای مردم باشد، به دنبال رابطه حسنه با تهران خواهد بود؛ زیرا پیوندهای عمیق تاریخی، فرهنگی دو ملت بر سیاستگذاری کشور سایه می‌اندازد.

*تاثیر چرخش السودانی بر دولت جدید

مجیدی در مورد چرخش السودانی به سمت کشورهای غربی و شایعه نفوذ آنها بر دولت جدید عراق توضیح داد: من جزو کسانی بودم که همان ابتدای تشکیل دولت از سوی السودانی هشدار می‌دادم که خیلی خوش‌خیال نباشیم و دولت السودانی آن تصور ذهنی برخی دوستان ما در مقاومت نخواهد بود. با این حال، با این ایده که دولت السودانی محملی برای فشار به تهران خواهد بود مخالفم. نهایت مطالبه غرب این است که منافعش در عراق به رسمیت شناخته شود و از سوی نیروهای مقاومت هم فشاری به آنها وارد نشود. مثلا مقاومت می‌گوید نیروهای آمریکایی باید عراق را ترک کنند. اما غرب این موضوع را قبول نمی‌کند و می‌گوید شما نمی‌توانید به ما این فشار را بیاورید. اما این که بخواهند به تهران فشاری از جانب بغداد بیاورند؛ چنین چیزی وجود ندارد و فقط نمی‌خواهند که از جانب ایران هم فشاری به آنها از سمت ایران وارد شود. البته این در بازه کوتاه مدت و یک سال و یک سال و نیم آینده است و در بلند مدت برنامه‌های دیگری هم دارند. این کارشناس مسائل خاورمیانه در مورد چراغ سبز السودانی به حضور آمریکایی‌ها در عراق گفت: آن طرحی که در پارلمان رأی آورد و به عربی به آن «قرار» می‌گویند؛ از نظر حقوقی محل بحث بود! یعنی عده‌ای آن را «مصوبه لازم الاجرا» می‌خوانند و عده دیگری معتقد بودند در حد قطعنامه‌های معمولی یا «بیانیه» اهمیت دارد حالا ما از این بحث می‌گذریم، چون ادبیات مبسوطی دارد. آن‌چه اهمیت دارد این بود که نهایتا برای جمع میان این دو قرائت، یک اجماع نسبی در فضای سیاسی وقت عراق شکل گرفت که با دولت آمریکا توافق شود و آنها از عراق خارج شوند. یعنی بحث «اخراج» به «خروج توافقی» تبدیل شد. این موضوع (خروج توافقی) در دولت الکاظمی دنبال شد و رییس هیأت مذاکره کننده هم مشاور امنیت ملی عراق بود که معادل دبیر شورای عالی امنیت ملی در ایران است. او سال‌های طولانی در ایران بوده و از قدیمی‌های سازمان بدر محسوب می‌شود. شخص آقای قاسم الاعرجی به توافقی با آمریکایی‌ها رسیدند تا «نیروهای عملیاتی» خارج شوند اما بخشی از نیروهای آمریکایی به برای مأموریت‌های «آموزشی» و «مستشار» در عراق باقی بمانند! دولت قبلی عراق یعنی دولت الکاظمی هم موافق این موضوع بود. حالا صحبت‌های اخیر محمد شیاع السودانی هم یک حرف دو پهلو است و او قرار است به آمریکا برود و آنجا ممکن است بیشتر این موضوع روشن شود. حرفی که السودانی می زند در قالب همان توافق هم قابل تعریف است و تضادی با آن توافق پیشین ندارد. اما به هر حال باید منتظر ماند و در عمل این موضوع را بررسی کرد.

دیدگاه

بررسی «جنگ ترکیبی» در حوزه سیاست خارجی

از تحریم‌های جدید تا بی‌میلی به مذاکره

تحت فشار قرار دادن ایران با هدف تضعیف تصویر ایران در میان افکار عمومی جهانی، دور کردن از متحدان، محدود کردن عرصه نقش‌آفرینی ایران در مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی و در یک کلمه، «عقب راندن» ایران در سیاست خارجی، مهم‌ترین هدف سه کشور اروپایی به‌همراه آمریکا بوده است. مقام معظم رهبری در سخنرانی ۱۲ آبان و در روزهایی که خیابان‌های تهران و تعدادی دیگر از شهرهای ایران هنوز جولانگاه اغتشاشگران و آشوب‌طلبانی قرار داشت که با تحریک رسانه‌های خارج از ایران و گروهی از مقامات اروپایی و آمریکایی به اسم مردم و به بهانه فوت خانم مهسا امینی، زندگی را بر مردم کوچه و خیابان سخت کرده و به خیال خام خود منتظر تغییرات بنیادین در ایران بودند، از مهم‌ترین ویژگی تحولات جاری در ایران «رمزگشایی» کردند و با توصیف آنچه بعد از فوت خانم امینی رخ داده بود به عنوان «جنگ ترکیبی»، نگاه‌ها و توجه‌ها را به ابعاد مختلف تحولات معطوف کردند. «جنگ ترکیبی» که از اواسط شهریور ماه علیه ایران به راه انداخته شد، ابعاد و زوایای پیدا و پنهان مختلفی دارد که برخی از این زوایا برای هر ناظر بی‌طرف و منصفی، با مشاهده عینی تحولات جاری در کف خیابان‌ها، قابل درک و تشخیص بود، هرچند در همان شرایط نیز بسیاری خود را پشت نام «مطالبات مردمی» پنهان می‌کردند و نمی‌خواستند شرایط حساس کشور را درک کنند و برخی از زوایای آن را نیز مرور زمان، نور بر آن خواهد تاباند و بر همگان آشکار خواهد شد، اما تقریبا می‌توان گفت در سه دهه گذشته ایران هیچگاه با چنین شرایط پیچیده‌ای که به‌درستی از آن به عنوان «جنگ ترکیبی» یاد شده، روبه‌رو نشده بود. شناسایی ابعاد و زوایای مختلف این «جنگ ترکیبی» باید بخشی از «جهاد تبیین» در کشور باشد. زوایای پیدا و پنهان آنکه شناسایی شد، هر کدام از آن باید به‌درستی و با حوصله مورد بررسی موشکافانه قرار گیرند و برای مدیریت آن و تلاش برای جلوگیری از تکرار آن برنامه‌های ریزی راهبردی متناسب، انجام داد. بدون تردید یکی از مهم‌ترین ابعاد این «جنگ ترکیبی» حوزه سیاست خارجی بود که شایسته توجه دقیق است. در حوزه سیاست خارجی در ۴ ماه گذشته و متعاقب تحولاتی که به دنبال فوت خانم امینی در کشور اتفاق افتاد، چند جریان قوی شکل گرفت که راهبری هر یک از این جریان‌ها را یکی از کشورهای آمریکا، فرانسه، انگلیس یا آلمان برعهده داشتند و این مربع راهبری، دنباله روی زیادی هم داشتند که به دلایل مختلف انتخاب دیگری جز دنباله روی چشم بسته از رویکرد این هسته ۴ کشوری، نداشتند. آنچه این کشورها در این مدت انجام دادند باید به‌عنوان بخشی از حافظه تاریخی دیپلماسی و سیاست خارجی کشور به درستی ثبت و مورد توجه قرار گیرد و در تمام معادلات و مراودات آینده حوزه سیاست خارجی، همواره جای ثابتی در عناصر تشکیل دهنده رویکردها و راهبردهای ما در سیاست خارجی داشته باشد.

◀ نمونه‌های جنگ ترکیبی

«اتخاذ سیاست ابراز بی‌میلی به مذاکرات هسته‌ای»، «افزایش تحریم‌ها به‌ویژه در حوزه حقوق بشر»، «برگزاری نشست ویژه شورای حقوق بشر در ژنو»، «تشکیل کمیسیون حقیقت‌یاب توسط شورای حقوق بشر»، «لغو عضویت ایران در کمیسیون مقام زن» و «فراخواندن تکراری سفرای ایران در اروپا» بخشی از آن چیزی است که این کشورها در ۴ ماه گذشته علیه ایران انجام دادند و تمام آنها را نیز به پشتوانه «پروگاندا» (با هدف سیاه‌نمایی با استفاده از رسانه‌های فارسی زبان و غیرفارسی زبان، فضای مجازی و سلیبریتی‌ها)، «سازمان‌های بین‌المللی» و «دادن میدان جولان به جریان‌ها و جامعه ایرانی معاند در خارج از کشور» صورت گرفته است. این اقدامات به‌صورت کامل با تحریک عالی‌ترین مقامات این ۴ کشور صورت گرفت. برای طراحان و برنامه ریزان «جنگ ترکیبی»، «سیاست خارجی» ادامه «خیابان»‌های ایران بود که باید دچار خشونت و آشوب و بی‌ثباتی می‌شد بنابراین در ادامه آنچه در خیابان‌های برخی از شهرها ترویج می‌کردند، به دنبال آن بودند که میوه آن را در حوزه سیاست خارجی بچینند. تحت فشار قرار دادن ایران با هدف تضعیف تصویر ایران در میان افکار عمومی جهانی، دور کردن ایران از متحدان، محدود کردن عرصه نقش‌آفرینی ایران در مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی و در یک کلمه، «عقب راندن» ایران در سیاست خارجی و مجبور کردن ایران به سکوت و انفعال و در نهایت «امتیازگیری» حداکثری از ایران به‌ویژه در مذاکرات هسته‌ای، مهم‌ترین هدف سه کشور اروپایی به‌همراه آمریکا بوده است. ایرانیان هیچ تردیدی در مورد عمق دشمنی ترکیبی و ریشه‌دار ۳ قدرت اروپایی و آمریکا با ایران ندارند اما آنچه این کشورها در ۴ ماه گذشته کردند بدون تردید یکی از علنی‌ترین، نفرت‌بارترین و پیچیده‌ترین نوع دشمنی‌هایی بوده است که در دهه‌های گذشته در خصوص ایران از سوی این سه کشور، صورت گرفته است. توجه به تمام جزئیات آنچه این کشورها انجام داده‌اند می‌تواند چراغ راهنمای مناسبی برای سیاست‌گذاران و برنامه ریزان حوزه سیاست خارجی باشد تا در هرگونه مراوده و تعاملی با آنها، این را مدنظر قرار دهند که آن کسی که روبه‌روی آنها نشسته (هر یک از مقامات سه کشور اروپایی) چه برنامه‌ای برای ایران داشتند ولی ناکام ماندند.

ویژه

هلند سفیر ایران را احضار کرد

سفیر ایران در هلند به وزارت امور خارجه این کشور فراخوانده شد . در پی اجرای حکم اعدام علیرضا اکبری، شهروند دو تابعیتی ایرانی-انگلیسی و کارمند پیشین وزارت دفاع که به جاسوسی برای دستگاه اطلاعاتی انگلیس محکوم شده بود، وزارت امور خارجه هلند، روز دوشنبه سفیر ایران در هلند را احضار کرد .طبق گزارش رسانه‌های هلندی، ووپکه هوکسترا، وزیر امور خارجه این کشور با احضار علیرضا کاظمی ابدی، سفیر ایران آن چه نگرانی درباره این اقدام عنوان شده را به او اعلام کرد.